

Method of Narrative Analysis or Narrative Research

Ahmadreza Varnaseri*¹, Hadi Alhaei ²

Abstract

Purpose: The purpose of the study is to present and explain the method of narrative analysis: the most important (definitions, applications, objectives, strengths and weaknesses, characteristics, methods, validity and reliability).

Methodology: Reviewing and studying documents and information sources from Persian and English books and papers lies within the used method.

Findings: Activity narration is very important since narratives help people turn their experiences into meaningful scenes of a story. This requires the use of cultural reasoning methods and content presentation. Narrative is a basic design for linking human events that creates an understandable combination. Narrative research has been considered from two perspectives: the research design or the output of a research. The research design was used to collect and analyze people's narratives of their experiences during life, and the output of the research refers to the expression of research that is presented to the audience in a story-like manner. One of the most important differences between ethnography and narrative research is that the purpose of ethnography is to study and understand its culture and meaning based on different participants (behavior, value, mindset, etc.); while in narrative research, its purpose is to know individual experiences and their meaning. Narrative data such as different types of stories are collected in a variety of ways, including semi-structured interviews, computer contexts, written conversations, ethnographic methods, and applied contexts such as therapy. Life Narrative Studies provide a compelling way to test hypotheses because they reveal rich psychological dynamics in human life.

Results: Narrative Narrative analysis as a qualitative methodology for advancing social research has been increasingly used by researchers in social sciences and other fields.

Keywords: Narrative Analysis, Narrative Research, Narrative Analysis, Narratology, Methodology.

1. PhD student in Information Science and Knowledge Orientation, Information and Knowledge Retrieval, Iran, Tehran, University of Tehran, Faculty of Management (Corresponding Author). (ahmadrezavarnaseri@gmail.com)

2. Graduate of Library and Information Science, Iran, Ahvaz, Ahvaz Islamic Azad University, University of Science and Research. (hadi_alhaei@yahoo.com)

روش تحلیل روایت یا روایت پژوهی

احمدرضا ورناصری^۱ و هادی الهائی^۲

تاریخ پذیرش: ۱۲ دی ۱۴۰۱

تاریخ دریافت: ۱۲ سفند ۱۴۰۰

چکیده

هدف: هدف این مطالعه، ارائه و توضیح روش تحلیل روایت، مهم‌ترین تعاریف، کاربردها، اهداف، نقات قوت و ضعف، ویژگی‌ها، روش فرآیند، روایی و پایایی آن است.
روش: روش مورد استفاده، مرور و مطالعه اسناد و منابع اطلاعاتی از کتاب و مقالات فارسی و انگلیسی است.

یافته‌ها: روایت گویی فعالیت بسیار مهم است، زیرا روایت‌ها به افراد کمک می‌کند تا تجربیاتشان به صحنه‌هایی معنادار از یک داستان تبدیل شوند. این امر، مستلزم استفاده از روش‌های استدلال فرهنگی و ارائه محتوا است. روایت یک طرح اساسی برای پیوند دادن رویدادهای انسانی است که ترکیبی قابل درک را ایجاد می‌کند. روایت پژوهی از دو منظر طرح پژوهش و خروجی یک پژوهش مورد توجه قرار گرفته است. طرح تحقیق برای گردآوری و تحلیل روایت افراد از تجربیاتشان در طول زندگی استفاده شده است و خروجی تحقیق به بیان تحقیق پژوهشی اشاره دارد که به صورت داستانی به مخاطب ارائه می‌شود. یکی از مهم‌ترین تفاوت‌های قوم‌نگاری با پژوهش روایی این است که هدف مردم‌نگاری بررسی و درک فرهنگ و معنای آن براساس مشارکت‌کنندگان مختلف (رفتار، ارزش، طرز تفکر و...) است. درحالی‌که در تحقیق روایی، هدف آن شناخت تجربیات فردی و معنای آنهاست. داده‌های روایی مانند انواع مختلف داستان‌ها به روش‌های مختلفی از جمله مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته، زمینه‌های کامپیوتری، مکالمات نوشتاری، روش‌های قوم‌نگاری، و زمینه‌های کاربردی مانند درمان جمع‌آوری می‌شوند. مطالعات روایت زندگی، راهی قانع‌کننده برای آزمایش فرضیه‌ها ارائه می‌کند، زیرا آن‌ها پویایی‌های روان‌شناختی غنی در زندگی انسان را نشان می‌دهند.

نتایج: تحلیل روایی به‌عنوان یک روش کیفی برای پیشبرد تحقیقات اجتماعی، به‌طور فزاینده‌ای مورد استفاده محققان علوم اجتماعی و سایر حوزه‌ها قرار گرفته است.

کلیدواژه‌ها: تحلیل روایت، روایت پژوهشی، نظریه تحلیل روایت، روایت شناسی، روش شناسی.

مقدمه

قیاس زندگی و تجارب انسانی با روایت و تلاش برای محصور کردن قواعد نظم و ساختاری

۱. دانشجوی دکتری علم اطلاعات و دانش شناسی، گرایش بازیابی اطلاعات و دانش، ایران، تهران، دانشگاه تهران، دانشکده

مدیریت (نویسنده مسئول). ahmadrezavarnseri@gmail.com

۲. دانش آموخته‌ی کارشناسی ارشد علوم کتابداری و اطلاع‌رسانی، ایران، اهواز، دانشگاه علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی

اهواز. hadi_alhaci@yahoo.com

این روایت زمینه اصلی اقتباس و رشد روایتگری در علوم اجتماعی به شمار می‌آید. نظریه روایت با در میان گذاشتن فرهنگ، جنسیت، طبقه اجتماعی، قومیت اکولوژی و اجتماعی زندگی روزمره تلاش کرده است حوزه شخصیت را از نو سامان ببخشد. از این منظر شخصیت، ماهیتی روانی ادبی به خود گرفته است. روانشناسی شخصیت به‌عنوان رشته‌ای که کارش مطالعه کلیت شخص و هدفش تبیین فردیت روان‌شناختی انسان است، از دهه ۳۰ میلادی آغاز شد. آلپورت^۱ در سال ۱۹۳۷ با نگارش مقاله صفات، دو راه پیش پای مطالعات شخصیت گذاشت: روش‌های قانون‌مدار و روش‌های فردمحور.

تا دهه ۶۰ میلادی دنیا به کام نظریه صفات بود، تا این‌که انتقادات نورفترگرایی والتر میشل با طرح مسئله موقعیت و اهمیت آن در شکل‌دهی رفتار، اعتبار نظریه صفات را به چالش کشید؛ به‌طوری‌که در دهه‌های ۷۰ و ۸۰ اغلب محققان باور خویش را به صفات و شخصیت از دست داده بودند. از همین سال‌ها بود که داستان زندگی به‌منزله عنصری وحدت‌بخش و البته متمایز از صفات و شخصیت، جای خود را در مطالعات شخصیت باز کرد. شاید یکی از مباحثی که میدان را برای بحث روایت باز کرد، مسئله خود گزارش‌دهی و حافظه‌گر و رویدادی بود؛ بستری که امکان طرح مسئله داستان زندگی را فراهم می‌کرد. ردپای نظریه روایت را در کارهای فروید، یونگ، آدلر، موری و همچنین در مطالعات جروم برونر، میشل فوکو و پل ریکور می‌توان مشاهده کرد. اما هیچ‌کدام، روایت را موضوع اصلی نظریه روان‌شناختی قرار نداده بودند. طرح روایت به‌منزله نظریه‌ای منسجم در تحلیل شخصیت به اواخر دهه ۷۰ بازمی‌گردد (ترکان، ۱۳۹۴: ۲۶).

استفاده از روایت در پژوهش تجربه‌های انسانی از سنت طولانی به‌ویژه در ادبیات و تحقیق تاریخ برخوردار است و در طول چند دهه گذشته علاقه به استفاده از تحلیل روایت در رشته‌های مختلف از جانب مردم‌شناسی، روانشناسی، روانکاوی و جامعه‌شناسی افزایش یافته است. روایت‌ها همه‌جا هستند آن‌ها خود زندگی‌اند و مایملک ما از آنچه همراه با خودمان فناپذیر است آن‌ها توانایی انتقال تجربه‌ها و تلاش ما برای تبدیل شدن به تاریخ هستند. ما به‌ندرت به روایت‌ها فکر می‌کنیم درحالی‌که زندگی ما به‌طور عمیقی با آن سروکار دارد. از نخستین روزهای عمر تا واپسین دم زندگی در مجموعه‌ای از داستان‌ها و قصه‌های و واقعیت‌ها به سر می‌بریم، که می‌شنویم یا می‌خوانیم و می‌بینیم... به‌عبارت‌دیگر، ما از نخستین روزهای حیاتمان در معرض روایت قرار داریم. ترانه‌ها و اشعار ساده که در دوران خردسالی یاد می‌گیریم و تکرار می‌کنیم همه گونه‌ای از روایت به‌شمار می‌روند و حتی مرگ ما نیز در روایت‌های ثبت، واقعیتی است که نمایان می‌شود مانند آگهی‌های ترحیم که چنین

1. Allport

هستند (آسبرگر^۱، ۲۰۰۱: ۳۳).

رویکرد روایی بر مبنای فرضیات و قضایایی بنیادین بنا شده است: ۱. مردم برای معنا بخشیدن به زندگی خود داستان‌هایی می‌سازند و درونی‌شان می‌کنند. ۲. این داستان‌های خودزندگی‌نامه‌ای دارای معنای روان‌شناختی و قدرت بقای کافی به‌عنوان گزارش‌های روایی برای روایت به دیگران هست. ۳. این گزارش‌ها روایی پژوهشگران به‌دست روان‌شناسان زمینه‌های چون درون‌مایه‌های محتوا، ویژگی‌های ساختاری، صفات کارکردی و دیگر طبقه‌های معنای روان‌شناختی، اجتماعی و فرهنگی قابل تحلیل‌اند (کارلس و داگلاس، ۲۰۱۷: ۳۰۶).

در این پژوهش، فرآیند تحقیق، استقرایی است. بدین معنی که محقق، پژوهش را با مشاهدات محسوس از پدیده مورد مطالعه آغاز نموده و در ادامه، تلاش می‌کند تا توصیفی انتزاعی یا نظری در باب پدیده مورد نظر ایجاد نماید. در مطالعه روایت زندگی، پدیده‌ای که مشاهده و تفسیر می‌گردد عموماً مجموعه روان‌شناختی غنی و دقیقی از داستان‌های خودزندگی‌نامه‌ای است و اغلب از طریق مصاحبه با افرادی به‌دست می‌آید که داستان زندگی خود را با توجه به سؤال پژوهشگر روایت نموده‌اند. پژوهشگر به‌منظور یافتن پاسخ برای سؤال تحقیق، به بررسی و کاوش عمیق داستان‌ها می‌پردازد زیرا هیچ پاسخ از پیش تعیین‌شده برای سؤالات مسئله تحقیق موجود نیست و یا اگر جوابی وجود داشت دیگر نیازی به انجام تحقیق در بافت اکتشاف نبود هرچند پژوهشگران براساس مطالعات و تجربیات پیشین، در ذهن خود برای سؤال تحقیق پاسخ‌هایی دارند. به‌عبارت‌دیگر، هدف علمی پژوهش در بافت اکتشاف کسب بینش و فهم جدید است نه تأیید مقولات از پیش تعیین‌شده.

مطالعات کیفی، امکان درک عمیق‌تر و کامل‌تری از رفتار افراد می‌دهد و به نظر می‌رسد امروزه پژوهشگران بیشتر در مقایسه با گذشته از روش‌های کیفی استفاده می‌کنند. معرفی روش تحلیل روایت به‌عنوان یک روش‌شناسی کیفی می‌تواند از اسباب آشنایی با این روش را برای علاقه‌مندان به پژوهش‌های کیفی و همچنین محققینی که می‌خواهند به کشف فرایند زندگی افراد، پژوهش‌های سلامت و اجتماعی دست یابند، مناسب باشد.

اهمیت پژوهش

تحلیل روایت یا روایت‌پژوهی یکی از روش‌شناسی کیفی جدید است که بر داستان‌های زندگی به‌عنوان جوهره علوم مردم‌گرا تمرکز دارد. رویکردهای روایی تلاش می‌کنند تا به شیوه‌هایی که داستان ساخته می‌شود، برای چه کسی و چرا، و نیز گفتمان‌های فرهنگی

که داستان از آن متکی است توجه کنند (نتیندا^۱، ۲۰۱۹: ۴۱۲). تحلیل روایت به طور فزاینده‌ای در مطالعات بهداشتی، آموزشی و علوم اجتماعی استفاده می‌شود و این استفاده به دو دلیل می‌باشد: ۱. ارزش منحصر به فرد روایت برای نمایش پدیده‌های اجتماعی که باعث غنا بخشیدن می‌شوند. ۲. ارائه منبع مولد دانش در مورد معنا‌های که افراد در زمینه‌های اجتماعی، روزانه به خود نسبت می‌دهند (کلندینین و کانلی، ۲۰۰۰: ۶۷؛ ریسمن، ۲۰۰۸: ۷۳؛ کلندینین و همکاران، ۲۰۰۹: ۸۲؛ کلندینین^۲، ۲۰۱۳: ۵۵).

روایت زیستی: این نوع روایت به دنبال این است که شرکت‌کنندگان را از طریق گفتن داستان‌هایی درباره زندگی‌هایشان بدون پیش‌فرض در مورد اهمیت تجارب خاص، درگیر کند. ویژگی‌های رایج در تحقیق روایت زنده، مذاکره در مورد روابط، اهداف تحقیق، انتقال، و اینکه چگونه محقق و شرکت‌کنندگان در آن روابط مفید خواهند بود. روایت‌های زندگی شده به‌عنوان یک استراتژی رایج شناخته شده‌اند که از طریق آن، برای مثال، بیماران مبتلا به نارسایی مزمن قلبی می‌توانند از طریق به اشتراک گذاشتن تجربیات، بیماری خود را مدیریت کنند (نتیندا، ۲۰۱۹: ۴۷).

روایت درمانی: در مشاوره و روانشناسی استفاده می‌شود با این فرض که شفای سلامت روان یک موضوع شخصی است و با معانی منحصر به فردی که حول محور افراد ساخته شده است. به‌عنوان مثال (حیدری و همکاران^۳، ۲۰۱۶: ۱۲۰) و (کیم و پارک، ۲۰۱۷: ۳۹۳) اثربخشی روایت درمانی به‌عنوان یک درمان فردمحور بر شادی و اضطراب مرگ سالمندان و افراد مبتلا به زوال عقل را بررسی کردند و یافته‌ها نشان داد که روایت درمانی فردمحور بر افزایش شادی و کاهش اضطراب مرگ تأثیر مثبت دارد.

کاربرد تحلیل روایت در تحقیقات بهداشتی و علوم اجتماعی: در سال‌های اخیر، علاقه فزاینده‌ای به روش‌های روایی شناخت و در نتیجه افزایش استفاده از روش‌ها و تکنیک‌های تحقیق روایی وجود داشته است. با وجود اینکه تحقیقات روایی در رشته‌هایی مانند انسان‌شناسی، مشاوره، تاریخ و روانشناسی دارای سنت طولانی است، چرخش به روایت در سلامت نسبتاً جدید است. تحقیقات روایتی در سلامت برای کمک به محققان در درک بیماران، روابط کارکنان پزشکی و بیمار یا سایر موضوعات مانند هویت و فرهنگ شخصی استفاده شده است. مسائل درمانی و بهداشتی را می‌توان از طریق فرآیند روایت بیان کرد (وانگ و گیل، ۲۰۱۵: ۱۹۶).

1. Ntinda

2. Clandinin and Connell · Riessman · Clandinin et al, Clandinin

3. Heidari et al

4. Kim, & Park

5. Wang & Geale

روایت‌پژوهی دارای شیوه‌های متنوعی از جمله؛ خودزیست‌نگاری، تاریخ زندگی و تاریخ شفاهی می‌باشد. در مطالعه روایت‌پژوهی کانون توجه داستان‌های نقل شده توسط افراد می‌باشد و تعریف مؤلف از زندگی خود است. این روش برای به تصویر کشیدن داستان‌ها یا تجارب زندگی یک نفر یا تعداد معدودی از افراد مناسب است. شیوه خودزیست‌نگاری شکلی از مطالعه روایت‌پژوهی است که در آن پژوهشگر تجارب زندگی فردی خود را نوشته و ثبت می‌کند (غلامپور و آیتی، ۱۳۹۹: ۶).

شش دلیل اصلی استفاده تحلیل روایت یا روایت‌پژوهی برای پژوهشگران روانشناسی به گفته کارلس و داگلاس (۲۰۱۷: ۳۰۷): ۱. روایت‌پژوهی بینش‌های غنی از تجربیات زیستی ارائه می‌دهد. روش‌های روایی به جای تمرکز بر ساختارها، نظرات یا انتزاع‌ها، تجربه فرد از رویدادهای مشخص را در اولویت قرار می‌دهند.

۲. رویکردهای روایی معنای تجربه شخصی را روشن می‌کند. گفتن داستان در مورد رویدادهای زندگی یک راه اصلی برای ایجاد و انتقال معنا است.

۳. روایت، بینش‌هایی را در مورد مسیر زندگی در طول زمان ارائه می‌دهد. روش‌های روایی به جای ارائه یک «عکس فوری» ایستا از یک زندگی در یک لحظه ثابت در زمان، چیزی شبیه به یک «فیلم» ارائه می‌کنند که بخش قابل توجهی از طول عمر داستان‌گو را دنبال می‌کند.

۴. روایت اجازه می‌دهد تا بر هر دو جنبه شخصی و اجتماعی تمرکز شود. اگرچه داستان‌ها تجربه شخصی را در اولویت قرار می‌دهند، اما زمینه اجتماعی-فرهنگی را نیز آشکار می‌کنند، زیرا داستان یک فرد توسط روایت‌های غالب در فرهنگ آن‌ها شکل می‌گیرد. روش‌های روایی بدین ترتیب نشان می‌دهند که چگونه فرآیندهای روان‌شناختی تحت تأثیر ساختارهای اجتماعی فرهنگی که در درون آن آشکار می‌شوند، قرار می‌گیرند.

۵. روایت، بینش‌هایی را در مورد چگونگی زندگی را به‌عنوان یک انسان تجسم یافته و زنده، احساس و تنفس ارائه می‌دهد. داستان‌گویی یک عمل تجسم یافته است که از تجربه فرد از جهان از طریق بدن خود استفاده می‌کند. بنابراین، مطالعات روایی نشان می‌دهد که چگونه بدن‌ها و داستان‌ها بر یکدیگر تأثیر می‌گذارند، شکل می‌دهند و یکدیگر را تشکیل می‌دهند.

۶. تحقیق روایی به تعامل اخلاقی نیاز دارد. از آنجاکه «داستان‌ها به‌عنوان عمل‌های گفتن، روابط هستند. تحقیقات روایی خوب مستلزم یک رابطه باز، پذیرنده، همدلانه و قابل اعتماد بین محقق و شرکت‌کننده است. اگرچه پژوهش روایی با سایر رویکردهای پژوهشی کیفی مانند تمرکز اجتماعی در قوم‌نگاری و تمرکز بر تجربه در پدیدارشناسی مشترک است، اما کاوش همزمان هر سه عنصر: زمانی، اجتماعی بودن و مکانی است که پژوهش روایی را

شکل می‌دهد و می‌سازد.

معین^۱ در سال ۲۰۰۶ سه زیربنا یا ادعای اساسی در مورد تحلیل روایت را پیشنهاد می‌کند: ادعای اول اینکه انسان‌ها تجربیات خود از جهان را در قالب روایات، سازمان‌دهی می‌کنند. دوم، پژوهشگران روایت معتقدند که داستان‌هایی که گفته می‌شود به تجربیات گذشته و حال فرد، ارزش‌های او، افرادی که داستان‌ها به آن‌ها گفته می‌شود، مخاطبان، زمان و مکان گفتن آن‌ها بستگی دارد. ادعای سوم که ارتباط نزدیکی با ادعای دوم دارد، مربوط به چندصدایی است که در روایات رخ می‌دهد.

ریشه روایت‌پژوهی در کتاب شعرشناسی ارسطو در یونان باستان قابل مشاهده است (پوتس، ۱۹۶۸: ۶۰). بیان روایت و داستان بخشی از هویت انسانی ماست (پلومر، ۱۹۵۵: ۱۴۳). انسان‌ها با بیان مجدد داستان‌ها، هویت‌ها و جوامع خود را نشان می‌دهند. روایت‌گویی فعالیت بسیار مهمی است، زیرا روایت‌ها به افراد کمک می‌کند تا تجربیاتشان به صحنه‌هایی معنادار از یک داستان تبدیل کنند. این امر نیازمند و از روش‌های فرهنگی استدلال و ارائه مطالب است (برگر^۴، ۱۹۹۷: ۳۶).

تعاریف متنوعی از روایت‌پژوهی ارائه شده است. روایت یک طرح بنیادی برای پیوند اقدامات و رخداد‌های انسانی و ایجاد یک ترکیب قابل فهم است (پولکین گهور، ۱۹۸۸: ۸۰). لیبلیچ و ماشیاچ و زیلبر^۵ (۱۹۹۸: ۶۶) معتقدند هر نوع مطالعه‌ای که از مواد و عناصر روایی استفاده کند یا آن‌ها را تحلیل کند، روایت‌پژوهی است. روایت‌پژوهی از دو منظر مورد توجه قرار گرفته است: یک، طرح پژوهش؛ دوم، خروجی یک پژوهش.

طرح پژوهش، روشی است برای گردآوری و تحلیل روایت‌های افراد از تجربیاتشان در طول زندگی و خروجی پژوهش روایت‌پژوهی به نحوه بیان یافته‌های پژوهش اشاره دارد که به گونه‌ای داستان‌وار به مخاطبان ارائه می‌شود. از مهم‌ترین تفاوت‌های قوم‌نگاری با روایت‌پژوهی آن است که هدف قوم‌نگاری مطالعه و شناخت فرهنگ و اثرات آن بر ابعاد مختلف مشارکت‌کنندگان (رفتار، ارزش، طرز تفکر و ...) است؛ در حالی که هدف روایت‌پژوهی، شناخت تجربیات فردی و معنای آن‌ها است.

پرسیدن سؤال‌هایی مانند: چگونه این اتفاق رخ داد؟ یا بعد از آن اتفاق چه شد؟ کمک می‌کند تا مشارکت‌کننده تجربیات شخصی خود را در قالب داستان بیان کند (هایدن، ۱۹۹۴: ۶).

1. Moen
2. Potts
3. Plummer
4. Berger
5. Lieblich And Tuval-Mashiach And Zilber
6. Hyden

۶). یک روایت و داستان باید سه بخش اصلی داشته باشد: (۱) زمان‌بندی (۲) علیت (۳) کشش و جذابیت.

کلیات روایت پژوهی

شرح	مواضع پارادایمی
واقعیت اجتماعی تعاریف سیال از واقعیتی مشخص است که در خلال تعاملات انسانی و اجتماعی ساخته می‌شوند. واقعیت اجتماعی حاصل توافقات نمادین - کنشی و معنایی است.	موضع هستی‌شناختی
مشاهده مشارکتی یا مصاحبه و حتی در برخی موارد داستان‌های شفاهی و مصاحبه‌های مردم‌نگارانه ساختاریافته یا ساختارنیافته داده‌هایی به شکل روایتی و داستانی دارند.	روش گردآوری اطلاعات
اتفاق بعدی چه بود؟ حوادث چطور به یکدیگر مرتبط‌اند؟ برای چی؟ چرا داستان مهم است؟ چه کسی درگیر بود؟ چه اتفاقی افتاد؟ چه زمان؟ و در کجا؟	سوالات
بسیاری از داده‌های کیفی به‌طور طبیعی به شکل داستان بیان می‌شوند.	نحوه برخورد با داده‌های کیفی (کل‌گرا)
فرآیند تحقیق بسیار استقرایی است بدین معنی که محقق، پژوهش را با مشاهدات محسوس از پدیده مورد مطالعه آغاز نموده و در ادامه تلاش می‌کند تا توصیفی انتزاعی یا نظری در باب پدیده مورد نظر ایجاد نماید.	فرآیند تحقیق

فرایند روایت پژوهی

کلندینین و کانلی^۱ (۲۰۰۰: ۷۷) یکی از فرایندهای مناسب برای انجام روایت پژوهی را در قالب پنج مرحله مطرح کرده‌اند:

۱. اطمینان از تناسب مسئله پژوهش با طرح روایت پژوهی: روایت پژوهی برای زمانی مناسب است که محقق بخواهد داستان و روایت تفصیلی از زندگی واقعی یک یا چند نفر معدود به‌دست آورد.

۲. گزینش یک یا چند نفر - که داستان و روایت مورد نظر محقق را دارند و به بیان آن‌ها مایل دارند و سپس صرف زمان با آن‌ها برای گردآوری داده‌های لازم

۳. تدوین روایتشان: در این مرحله داده‌های کیفی از شیوه‌های مشاهده مشارکتی، مصاحبه، تحلیل اسناد و مدارک، عکس و استفاده می‌کند. بعد از بررسی این منابع، محقق

1. Clandinin And Connelly

تجربیات زندگی افراد را ثبت می‌کند. نمونه نقش مهمی در کیفیت روایت پژوهی دارد. تعیین تعداد افراد با روایت پژوهی از استاندارد خاصی پیروی نمی‌کند و منابع معتبر در این زمینه، توصیف خاصی ارائه نکرده‌اند. در صورتی که محقق روایت پژوه در صدد تعمیم باشد باید حجم نمونه خود را افزایش دهد.

۴. گردآوری اطلاعات درباره بافت روایات: محقق روایت پژوه روایات انفرادی را در درون تجربیات شخصی مشارکت‌کنندگان (شغل، منزل)، فرهنگ آن‌ها (نژاد، قومیت) و بافت‌های تاریخی‌شان (زمان و مکان) قرار می‌دهد.

۴. تحلیل روایات مشارکت‌کنندگان و باز روایت آن‌ها در قالب چارچوب مناسب به‌نحوی که برای مخاطبان قابل درک باشد: «باز روایی» فرایند سازمان‌دهی مجدد روایات در قالب یک نوع چارچوب عمومی است. این چارچوب شامل گردآوری روایات، تحلیل آن‌ها برای یافتن عناصر کلیدی داستان (مانند زمان، مکان، موضوع اصلی داستان و صحنه) و سپس بازنویسی داستان‌ها در داخل یک زنجیره زمانی است.

ساختار فضای سه‌بعدی روایت پژوهی (اولرنشاو و کرزول، ۲۰۰۲).

مکان/وضعیت	آینده شخصی	حال	گذشته	اجتماعی
توجه به بافت، زمان، مکان واقع چشم‌انداز فیزیکی، محیط محصور در محدودیت‌های جغرافیایی و طبیعی با نیت‌ها، اهداف و جهان‌بینی‌های متفاوت شخصیت‌های داستان	توجه به آینده، تجربیات احتمالی آینده، خطوط داستان	توجه به تجربیات و احساسات در زمان حال، داستان‌های مرتبط با اقدامات یک رخداد	توجه به گذشته، تجربیات و احساسات گذشته، و داستان‌هایی از زمان‌های قبل	توجه شرایطی درونی، احساسات، امیدها، واکنش‌های زیباشناختی، منش اخلاقی

ساختار دوم، روایت را در قالب پنج عنصر قابل ترسیم می‌داند. این پنج عنصر خط سیر اصلی داستان را می‌سازد. این عناصر عبارت‌اند از: شخصیت‌های داستان، محیط داستان، مسئله موجود در داستان، اقدامات شخصیت‌های داستان و رفع مشکل.

شخصیت‌ها	محیط	مسئله	اقدامات	رفع مشکلات
----------	------	-------	---------	------------

الگوهای افراد	بافت	سؤالی که باید پاسخ داده شود یا پدیده‌ای که باید توصیف یا تبیین شود.	فعالیت‌های انجام شده در درون روایت که نشان‌دهنده تفکرات، احساسات، نیت‌ها، اقدامات و اکنش‌های شخصیت‌های داستان در مورد تلاش‌های موفق یا ناموفقشان است.	پاسخ به سؤال‌ها توضیح آنچه موجب تغییر شخصیت، داستان یا چرخش، و تغییر خط سیر داستان شده است.
شخصیت	محیط	ساختار دوم حل مسائل در روایت‌پژوهی (آلرنشاو و کرزول، ۲۰۰۲) براساس (اولکرنشاو، ۱۹۹۸) ^۱		
		شرایط		
		رفتارها		
		مکان، محل		
		سبک و الگوها		
		وقوع، زمان		
		سال، حوزه		

چیستی روایت

تولان^۲ (۱۹۸۸: ۴۵) روایت را توالی از پیش انگاشته شده رخدادهایی که به‌طور غیرتصادفی به هم اتصال یافته‌اند تعریف کرده است که طبق آن، هر روایت دو ویژگی دارد: علیت و زمان‌بندی، تعریف ایجابی و حداقلی از روایت، توالی غیرتصادفی رخدادهای زنجیره مانند است. رخداد، وضعیت مفروضی را پیش‌فرض می‌گیرد که چیزی باعث تغییر در آن وضعیت پیش‌بینی شده است. توالی غیرتصادفی، حاکی از ارتباط هدفمند رخدادهاست، بنابراین روایت سازمان‌دهی رابطه امور متوالی است که دارای عناصری مشترک بوده و مبتنی بر تغییر وضعیت‌ها باشد. رابطه هدفمند میان وضعیت‌ها بر تشخیص‌گوینده یا مخاطب استوار است.

تعریف روایت از منظر روایت‌شناسان

روایت‌شناسی یا علم عمل روایت، شاخه علمی است که فنون و ساختارهایی روایی را که در داستان‌ها متجلی شده مطالعه می‌کند. این علم، فنون درونی یک روایت را که خودش از داستانی نقل شده تشکیل شده است بررسی می‌کند. در واقع، مطالعه گفتمان روایت سعی دارد اصول مشترک تشکیل‌دهنده متون را نشان دهد، اصولی که سعی دارند

1. Ollerenshaw And Creswell

2. Tollan

جهان گستر و فراگیر باشند. بدین ترتیب، تلاش بر این است تا روابط ممکن بین عناصر سه‌تایی، یعنی داستان، روایت و عمل روایت دیده شود. این روابط در دل چهار مقوله اساسی یعنی وجه، موقعیت روایی، سطح و زمان دیده می‌شود و هدف روایت‌شناسی، مطالعه مقوله‌ها و روابط بین آنهاست (ترکان، ۱۳۹۴: ۱۰).

تعریف روایت براساس نظریه لینت ولت

«منظور از روایت، یک داستان روایی است که نه‌تنها شامل گفتمان روایی بیان شده توسط راوی است، بلکه شامل گفتمان بیان شده کنشگران و نقل‌قول‌هایی است که راوی از گفته‌های کنشگران ارائه کرده است، بنابراین، روایت در زنجیره و در تناوب گفتمان‌های راوی و گفتمان کنشگران شکل می‌گیرد» (عباسی و حجازی، ۱۳۹۰: ۲۲۲).

مطابق این تعریف، روایت یا همان داستان تلفیقی است از دنیای روایت شده و دنیای نقل شده، روایت = گفتمان راوی + گفتمان کنشگران داستان = جهان روایت شده + جهان نقل شده بر این اساس، الگوی بالا را کامل‌تر می‌کنیم و وجوه داستان را در الگوی زیر به شکل کامل ارائه می‌دهیم. قرار گرفتن مرحله به مرحله این مربع‌های متناوب نشان از وجود سلسله‌مراتب معنایی بین وجوه گوناگون دارد که در اوج و منتهی‌الیه این سلسله‌مراتب، نویسنده انتزاعی کل ساختار ادبی را فرمان روایی می‌کند. یادآوری این‌که در هنگام تحلیل روایت‌ها، به‌عنوان خواننده، تلاش بر این است تا تقابل سطح راوی با کنشگران مورد مطالعه قرار گیرد.

همان‌طور که در الگوی بالا مشاهده می‌شود و همچنین بر مبنای تعریف ارائه شده از روایت توسط لینت ولت، می‌توان حداقل دو زمان و مکان کاملاً جدا از یکدیگر را در الگوی بالا براساس تقابل راوی - مخاطب / کنشگران مشاهده نمود:

زمان و مکان لحظه روایت، یعنی همان زمان و مکانی که راوی و مخاطب در آن قرار دارند.

زمان و مکان کنشگران، یعنی همان زمان و مکانی که کنشگران کنش‌های خود را در آن زمان و مکان انجام داده‌اند.

درواقع، این دو زمان و مکان یعنی زمان و مکان لحظه روایت و زمان و مکان کنشگران سبب می‌شود که این دو گروه از نظریه‌پردازان در حوزه روایت شکل بگیرد.

زمینه‌های نظری روایت

نظریه‌های روایت بی‌شمار است، آن‌ها تاریخی و فرهنگی، زمانمند و مکانمند. اما

نظریه‌پردازی در باب روایت، محدود است. در این قسمت به اختصار به مهم‌ترین نظریه‌های روایت اشاره می‌کنیم:

فرمالیسم روسی و باختین

فرمالیسم روسی طیف گسترده‌ای از نظریه‌پردازان را از شک洛夫سکی، یاکوبسن، باختین و پراپ شامل می‌شود. شک洛夫سکی، باختین و پراپ در این میان در نظریه‌های روایت بسیار تأثیرگذار بوده‌اند و در اینجا فقط به آن‌ها می‌پردازیم...

روپ ولادیمیر^۱ در سال ۱۹۲۸ با انتشار کتاب ریخت‌شناسی قصه‌های عامیانه، فرمالیسم را به‌نوعی با ساختارگرایی پیوند داد. وی در مقابل واقع‌گرایی به داستان‌های پریان توجه کرد و این داستان‌ها را برحسب کارکرد شخصیت‌های گوناگون آن‌ها بررسی نمود. از طریق کارکردها، هم‌کنش شخصیت‌ها و هم‌پیامدهای این‌کنش‌ها برای داستان مشخص می‌شود. در قصه‌های جن و پری که او بررسی می‌کند، ۳۱ کارکرد وجود دارد که از توالی یکسانی برخوردارند و بدین ترتیب تمامی این داستان‌ها دارای ساختاری همانند می‌باشند (آسپرگر، ۲۰۰۰: ۵۵). کارکردها برخلاف مضامین، عناصری در درون روایت نیستند، بلکه خود روایت هستند و کل روایت چیزی جز توالی کارکردها نیست. مثلاً کارکردهای قصه‌های جن و پری عبارت‌اند از: وضعیت اولیه، غیبت، شرارت، ممنوعیت و... که هر یک از این کارکردها با شخصیت یا شخصیت‌های داستانی همخوانی دارند، مثلاً شخصیت ضدقهرمان با کارکردهای شرارت، مبارزه و تعقیب متناسب است (هارلند، ۲۰۰۳: ۱۱۵).

فرمالیست‌ها بدین سؤال که آیا روایت بازتابی از تاریخ اجتماعی است و یا مجموعه‌ای از تمهیدات شکلی، بازماندند. میخائیل باختین درصدد پاسخگویی به این سؤال برآمد. از نظر وی، روایت نه جهان را که راه‌های مختلف سخن گفتن در باب جهان را ناآشنا می‌سازد. راه‌هایی که هر کدام وانمود می‌کند که شفاف و عین‌نماست. پایه‌ی این امر نظریه باختین در مورد زبان است. وی برخلاف سوسور که زبان را نظامی انتزاعی و عام می‌دانست، زبان را فرایندی اجتماعی و تاریخی می‌داند. زبان بدین ترتیب همچون خود زندگی متغیر است و عرصه معنای متکثر، باختین^۳ این توانش زبانی برای برخورداری از معنای متکثر و متعارض را منطبق گفت‌وگویی می‌نامد (تودوروف، ۱۹۹۸: ۲۱). این منطق حاکی از چندصدایی بودن جوامع بشری است. بدین معنا از نظر باختین روایت ترکیبی عام از گونه‌های مختلف است. تحول روایت باختینی را می‌توان در پسا‌ساختارگرایی فرانسوی یافت.

1. Propp Vladimir
2. Harland
3. Bakhtin
4. Todorov

سنخ‌شناسی تحلیل روایت

ریسمن (۲۰۰۸:۴۴) بیان می‌کند که روایات حوادثی را که به صورت غیرقابل پیش‌بینی و اغلب ناخواسته برای کنشگران اتفاق می‌افتد را بازگو می‌کنند. آن‌ها فقط به تجربیات گذشته اشاره نمی‌کنند بلکه تجربیات را برای شنوندگان نیز ایجاد می‌کنند. وی انواع شیوه‌های تحلیل روایت را معرفی و به چهار شیوه تحلیل داده‌های روایی اشاره کرده است. پژوهشگران می‌توانند برحسب هدف مطالعه خود یک یا چند شیوه تحلیل را انتخاب می‌کنند. تحلیل مضمونی رایج‌ترین نوع تحلیل روایت است که محققان از آن استفاده می‌کنند. مهم‌ترین نکته در تحلیل مضمونی روایت، پاسخگویی به سؤال «چه چیزی» است. واحد تحلیل، داستان کامل است و قطعه قطعه نمی‌شود.

تحلیل روایتی به محققان توصیه می‌کند که داستان‌های افراد را جدی بگیرند و جایگاه آن‌ها را در تولید و بازتولید جهان اجتماعی طبیعی فرد در نظر بگیرند. تحلیل روایتی، خاص واکاوی و استخراج معنا از داستان‌ها و روایت‌های فردی و اجتماعی است، گرچه می‌توان از شیوه‌های مشابه دیگری نیز استفاده کرد. با وجود این به محققان توصیه می‌شود چنانچه با روایت‌ها و از این روش داستان‌ها و بیوگرافی‌های افراد سروکار دارند، ترجیحاً استفاده کنند. روش روایتی که از برخی جهات مبتنی بر تحلیل نظام‌مند است، به شیوه‌های گوناگونی اجرا می‌شود. هرچند روایات عناصر مشترکی دارند، تفاوت‌های جزئی در بین شیوه‌های تحلیل عموماً داده‌های روایتی وجود دارد. مهم‌ترین مشخصه‌ها و اجزای مشترک بین همه روایات عبارت است از:

۱. درآمد: این بخش، بیانگر مقدمه و نشانه‌های آغاز یک داستان است. مردم به شکل‌های گوناگون داستان‌های خود را بیان می‌کنند. برای مثال، «یکی بود، یکی نبود» درآمد داستان‌های پریان و افسانه‌هاست.
۲. آشنایی: این قسمت، اطلاعات بنیادی را بیان می‌کند. برای مثال، «چه کسی درگیر بود؟» «چه اتفاقی افتاد؟» «چه زمان و در کجا؟»
۳. پیچیدگی (گرافکنی): پیچیدگی بیانگر پیچیده شدن سیر روایت است: «اتفاق بعدی چه بود؟» «حوادث چطور به یکدیگر مرتبط‌اند؟»
۴. ارزیابی: ارزیابی در مواجهه با این سؤال‌ها شکل می‌گیرد: برای چی؟ «چرا داستان مهم است؟»
۵. گره‌گشایی (نتایج): این بخش به شنونده یا خواننده داستان می‌گوید که در نهایت چه اتفاقی رخ می‌دهد.
۶. پایان: این بخش به شنونده می‌گوید که داستان در حال اتمام است.

گفتنی است در این شیوه ضرورتی ندارد که روایت نهایی نظم زمانی داشته باشد، بلکه می‌توان با توجه به تنش و چالش موجود در داستان یا جذابیت موضوعات بر سیر داستان تأکید کرد و آن را سروسامان داد (طیبی ابوالحسنی، ۱۳۹۸: ۸۰).

ساختارگرایی و پسا ساختارگرایی

مرکز ساختارگرایی در دهه‌های ۶۰ و ۷۰ در شهر پاریس اتفاق افتاد که در وهله نخست در واکنش به اگزیستالیسم سارتر تکوین یافت. یکی از عوامل موجد آن به هم پیوستن نظریه ادبی و علوم اجتماعی پس از انقلاب زبان شناختی سوسور بود. از نظر ساختارگرایان که بر پایه‌ی زبان استوار است، زبان ادبی، روایت ویژه‌ای از زبان و متفاوت از زبان معمولی نیست. آن‌ها برخلاف فرمالیست‌ها و مدرنیست‌ها بر همانندی ادبیات و زبان معمولی تأکید دارند (هارلند، ۲۰۰۳: ۶۱).

مهم‌ترین روایت‌شناسان ساختارگرا عبارت‌اند از: ژنت، تودوروف، بارت و گرماس^۲. این نظریه‌پردازان، روایت را به منزله قصه خام و پایه‌ای می‌نگرند که رویدادها و فعالیت‌ها بر روی آن‌ها استوارند. به نظر روایت‌شناسان ساختارگرا مهم‌ترین قیاس زبان‌شناسانه میان ساختار روایت و نحو جمله است. بارت می‌گوید که «روایت یک جمله بلند است، همان‌طور که جمله یک روایت کوتاه است». بنابراین روایت همانند جمله از قواعد معینی پیروی می‌کند. آن‌ها شخصیت‌ها را در یک روایت به اسم‌ها و فعالیت‌ها را به فعل ربط می‌دهند. به نظر تودوروف اگر بدانیم که شخصیت اسم و فعالیت فعل است، روایت را بهتر می‌شناسیم (ایگلتون، ۲۰۰۱: ۵۶^۳).

تحلیل روایت، عدم قطعیت، پیچیدگی و تضادها و دوگانگی‌ها را بر نمی‌تابد چراکه روایت‌ها تاریخ سوژه‌ها و بیانگر غنا و فقر احساسات، اندیشه‌ها و تجربه‌های انسانی هستند. آن‌ها آشکارکننده معایب و مزایا هستند، به خلق هویت و واقعیت اجتماعی کمک می‌کنند و حتی باعث دگرگونی می‌شوند و به این دلیل روایت‌ها بررسی می‌شوند که ساختارهای ایجاد معنا هستند (طلوعی و خالق پناه، ۱۳۸۷: ۴۹). به عقیده ریسمن (۲۰۰۸: ۸۸) داستان‌های زندگی افراد، پنجره‌ای را به سوی زندگی کسانی می‌گشاید که با فشارهای محیط اطرافشان روبرو شده‌اند و زمینه‌ای را برای بحث در مورد موضوعات پژوهشی در این زمینه فراهم می‌سازد، به‌ویژه در زمینه مسائلی که از نظر اخلاقی مورد بحث است.

1. Harland
2. Genet, Todorov, Bart and Garmas
3. Eagleton

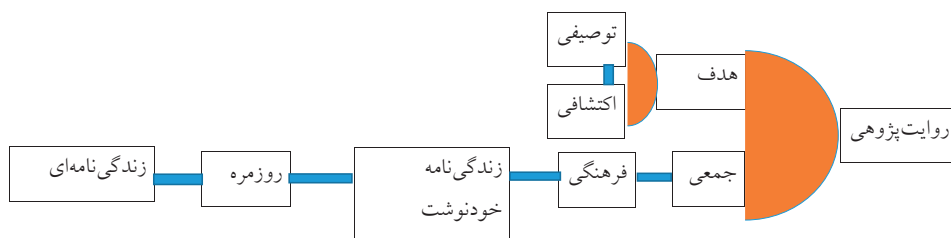
جایگاه تحلیل روایت در علوم اجتماعی

امروزه استفاده از تحلیل روایت به عنوان روشی برای گردآوری، تجزیه و تحلیل داده‌های کیفی در حوزه علوم اجتماعی، بیش از پیش رواج یافته است. پژوهشگران اجتماعی می‌توانند با به کار بردن روش تحلیل روایتی به کشف فرایندها به صورت متوالی و زمان‌دار نائل شوند. از کسانی که روایت را در تحلیل‌های جامعه‌شناختی باب کرده‌اند، لایبوف و والتزکی بودند. فرضیه آن‌ها این بود که ساختارهای بنیادین روایت در گونه‌های شفاهی تجربه فردی یعنی روایت‌های معمولی گویندگان عادی، مستتر است (نش، ۱۹۹۴: ۶۸). کار لایبوف و همکارانش فراتر از داستانیزه کردن تجربه‌های فردی است. آن‌ها به تبع ساختارگرایان، تجربه را متشکل از ویژگی‌های زبانی ساختاری می‌دانند. لایبوف و والتزکی نخستین وظیفه‌ی تحلیل‌گر را پیوند توالی بندهای روایت به توالی رخداد‌های منتج از آن می‌دانند. به نظر لایبوف روایت‌های بحران‌ساز یا روایت‌هایی که بیانگر تهدید زندگی هستند، بدون استثنا به همان نظم و ترتیب وقوع رخداد‌های اصلی نقل می‌شوند (تولان، ۱۹۹۸: ۲۲).

تحلیل روایتی متن نه تنها امکان بررسی زبان‌شناختی داستان و اجزای آن را فراهم می‌سازد (که به‌ویژه کانون توجه زبان‌شناسان و نیز بسیاری از تحلیل‌های انجام شده از متون خبری و رسانه‌ای در قالب تحلیل گفتمان است)، بلکه سطوح تحلیل ساختاری مستتر در این متون دست‌مایه‌ی تحلیل مناسبی را برای محققین جامعه‌شناسی فراهم می‌سازد (ون دایک، ۱۹۸۵: ۴۴؛ فرانک، ۱۹۵۵: ۴۵).

انواع روایت

طبقه‌بندی‌های مختلفی برای روایت ارائه شده است. در اینجا این طبقه‌بندی‌ها در یک دسته‌بندی کلان‌تر قرار می‌گیرند. در دسته اول روایت از منظر هدف به دو نوع توصیفی و اکتشافی و در دسته دوم از منظر نحوه بیان روایت‌ها به پنج نوع تقسیم‌بندی می‌شود.



1. Nash

2. Tollan

3. Van Dijk And Frank

طبقه‌بندی‌های مختلف برای روایت

روایت‌پژوهی از منظر هدف: روایت‌پژوهی از لحاظ هدف مطالعه به دو نوع توصیفی و اکتشافی تقسیم می‌شود (پولکینگ هورن،^۱ ۱۹۸۸: ۶۶). در روایت‌پژوهی اکتشافی به دنبال چرایی بروز شده از رخدادها در داستان زندگی افراد است. هدف روایت‌پژوهی در روایت‌پژوهی توصیفی، شرح مواردی از این قبیل است: (۱) به داستان زندگی افراد با یک گروه با بخش‌ها (۲) شرایطی که تحت آن یک خط داستان با مجموعه‌ای از رخدادها متوالی و اهمیت آن رخدادها هم‌راستا یا در تناقض با سایر خطوط داستان به وقوع می‌پیوندد (۳) ارتباط بین داستان‌های انفرادی و ارزش فرهنگی آن‌ها (۴) کارکردی که صحنه‌های مشخصی از زندگی افراد در سیر داستان تک تک افراد ایفا می‌کند.

روایت‌پژوهی از منظر نحوه بیان: ریچاردسون^۲ (۱۹۹۰: ۱۲۰) براساس نحوه روایت، پنج نوع روایت را معرفی می‌کند: روزمره، زندگی‌نامه خودنوشت، زندگی‌نامه‌ای، فرهنگی و جمعی.

۱. روایت روزمره: در این نوع روایت، وقایع روزمره بیان می‌شود. افراد درباره تجربیاتشان در طول روز و هفته صحبت می‌کنند، چطور وقت خود را گذرانده‌اند و چه اتفاقاتی برایشان رخ داده است.

۲. روایت زندگی‌نامه خودنوشت: در این حالت، روایت یکی از وقایعی است که برای شخص رخ می‌دهد و به دیگران کمک می‌کند تا وارد فضای روایت شوند. افراد در این حالت تلاش می‌کنند تا خودشان را مجزا از دیگران نشان دهند و اقدامات خود را توجیه کنند.

۳. روایت زندگی‌نامه‌ای: داستان فرد از زبان فرد دیگری بیان می‌شود.

۴. روایت فرهنگی: در این حالت افراد از طریق روایت معانی موجود در یک بافت فرهنگی معین را مشاهده‌پذیر و آشکار می‌کنند. در این حالت، راوی مفاهیم و معانی مربوط به یک شرایط خاص پیوند می‌دهد.

۵. روایت جمعی: هر چهار نوع روایت قبلی را دربر دارد. این نوع روایت داستان افراد با قدرت پایین اجتماعی و حاشیه‌ای است. در این حالت فرد به یک گروه خاص متعلق می‌داند.

اهداف و ویژگی‌های روایت

در خصوص اهداف روایت، ریسمن (۲۰۰۸: ۵۱) می‌گوید که روایت‌ها می‌تواند به دلیل اجتماعی سیاسی و یا درمانی به کار گرفته شوند. روایت‌ها کارکردهای گویای را به‌وسیله اطلاع دادن، سرگرم کردن، تغییر کردن، پیش‌بینی و کنترل کردن فراهم می‌کنند و برای پیشبرد یک موضوع سیاسی و اجتماعی با بیشترین قدرت روایت‌های سودمند هستند و

1. Polkinghorne
2. Richardson

روایت‌ها استراتژیک، کارکردی و هدفمند است. تولان (۱۹۸۸: ۱۴)، ویژگی‌های روایت را شامل موارد زیر می‌داند:

۱. شکل‌گیری (برساخته شدن) روایت
۲. هر روایتی دارای وجوه و میزان خاصی از یک ساختار اولیه (پیش‌برساختگی) است.
۳. بیشتر روایت‌ها دارای خط سیر هستند.
۴. روایت دارای گوینده است.
۵. تغییر وضعیت یا جابه‌جایی یا گشتار
۶. روایت مستلزم یادآوری رخدادهایی است که از نظر زمانی و مکانی از دسترس گوینده و مخاطبان دور است.

نقاط قوت رویکرد روایی: مطالعات روایت‌زنگی، روشی متقاعدکننده برای آزمون فرضیه‌ها عرضه می‌کند زیرا از پویایی‌های غنی روان‌شناختی در زندگی انسان پرده برمی‌دارد. مطالعات روایی با فراهم آوردن مفاد ارزشمند و گرانبار برای تولید نظریه و فرضیات نوین و همچنین روش‌های کدگذاری روا و پایا جهت فرضیه‌آزمایی، علم روانشناسی را غنی‌تر نموده است. رویکرد روایی می‌تواند منجر به بینش‌هایی گردد که توسط ابزارهای مقیاس درجه‌بندی به دشواری حاصل شده یا حتی گاهی غیرقابل دستیابی هستند. ایجاد امکان تصریح بافت و ذکر از دیگر نقاط قوت این رویکرد محسوب می‌گردد. افراد از راه بیان داستان در باب موضوعات مهم درباره خود و محیط اطراف ارتباط برقرار می‌کنند. روایت نه‌تنها به ما می‌گوید افراد کجا بودند، با که بودند و چه می‌کردند، بلکه درباره شرایط ارزیابی ذهنی نیز اطلاعات مهمی به‌دست می‌آورد. روایت، قادر است پیوندها و اتصالات در طول حوزه‌های مختلف زندگی یا منطق عملکردی را نشان دهد (سید، ۲۰۱۵: ۴۹). مک‌آدامز و مک‌لین معتقدند پژوهش آینده‌های روایی نیازمند کاوش پیوندهای بین خصوصیات داستان زندگی و سازگاری‌های روان‌شناختی مثبت، به‌علاوه تحلیل نقش بافت‌های فرهنگی وسیع در هویت روایی است (مک‌آدامز و مک‌لین، ۲۰۱۳: ۶۷).

مک‌آدامز^۳ (۲۰۱۲: ۲۲) قوانین تحقیق فرضیه‌آزمایی را در مطالعات تحلیل روایت، چهار مورد می‌داند: ۱. لزوم تنظیم نظام‌های کدگذاری دقیق و مشروح به‌منظور کمی نمودن درونمایه ۲. لزوم انجام، عمل کدگذاری توسط چند کدگذار که از هویت شرکت‌کنندگان در تحقیق مطلع نیستند ۳. حصول میزان قابل‌پذیرشی از پایایی کدگذاران یا توافق ۴. لزوم کدگذاری تعدادی مناسب از روایات برای انجام آزمون‌های آماری بر فرضیه پیشنهادی

1. Syed

2. McAdams And McLean

3. McAdams

اندیشه برقراری پایایی، منعکس‌کننده تمایلی کمی و اثبات‌گرایانه است. پایایی، عموماً به ثبات اندازه‌گیری یا میزان نزدیکی نمرات به یکدیگر در طول ارزیابی‌های چندگانه یک ابزار یا رتبه‌بندی‌های متعدد رویدادهای ثابت، اطلاق می‌گردد (کمپبل و کوک، ۱۹۷۹: ۵۵).

مراحل انجام تحقیق روایی

همانند هر روش‌شناسی کیفی مینا، رویکرد روایی هم نیازمند سرمایه‌گذاری عظیم زمان و منابع است (سید، ۲۰۱۵: ۳۶). مراحل انجام تحقیق روایی با روش تحلیل کمی را از این قرار برمی‌شمارد: جمع‌آوری داده‌ها، به نوشتار درآوردن داده‌ها (در صورت لزوم)، ایجاد نظام کدگذاری، آموزش به کدگذاران، و کدگذاری داده‌ها.

داده‌های روایی همچون انواع مختلف داستان با روش‌های متفاوتی جمع‌آوری می‌شوند. از جمله، مصاحبه‌های نیمه ساخت‌یافته، زمینه‌یابی‌های نوشتنی، زمینه‌های کامپیوتری، مکالمات نوشتاری شده، روش‌های قوم‌نگاری و زمینه‌های کاربردی مانند درمان (سید و نلسون، ۲۰۱۵: ۳۸۱). همانند تمامی تحقیقات، ملاحظات برای جمع‌آوری داده در مطالعات روایی بستگی به سؤال خاص تحقیق و طرح مطالعه دارد. شرکت‌کنندگان می‌توانند داستان‌های خود را روی کاغذ بنویسند، تایپ کنند یا به صورت شفاهی در مصاحبه بیان کنند. انتخاب روش، نیازمند دقت است و به سؤال تحقیق و نوع خاطرات مورد نظر بستگی دارد. صرف‌نظر از روش بیان داستان‌ها، داده روایی باید در آزمایشگاه یا شرایط پایش شده جمع‌آوری گردد تا داده‌های با کیفیت حاصل شود.

نوشتاری کردن داده‌ها: این بخش از تحقیق روایی بسیار وقت‌گیر است؛ به نوشتار درآوردن مصاحبه‌ای یک‌ساعته به‌طور میانگین چهار ساعت وقت می‌گیرد. به‌تازگی نرم‌افزارهایی برای نوشتار نمودن فایل‌های صوتی و تسریع این فرآیند به کمک پژوهشگران آمده‌اند که بیشتر به زبان انگلیسی هستند اما نمونه‌های فارسی نیز موجود است.

روش‌های تجزیه و تحلیل گزارش‌های روایی

برخی پژوهشگران کلمه به کلمه روایت سخنان را بررسی می‌کنند (ورثام، ۲۰۱۱: ۹۲)، برخی دیگر با استفاده از برنامه‌های کامپیوتری به دنبال کلمات کلیدی در گفتمان طولانی داستان هستند (پنه بیکر و استون، ۲۰۰۳: ۲۹۶).

1. Campbell And Cook
2. Syed & Nelson
3. Wortham
4. Pennebaker And Stone

روش کدگذاری: در این بخش به روش‌های کمی نمودن داده کیفی با استفاده از روش کدگذاری در تحلیل روایت می‌پردازیم. همان‌طور که پیشتر نیز گفتیم برقراری پایایی در تحقیق کمی و روش کدگذاری از الزامات این روش تحلیل است که مطابق با سنت اثبات‌گرایی است. بی‌طرفی، ملازم و ذاتی تعریف پایایی است زیرا به حقیقتی بنیادین اشاره دارد که توسط ارزیاب‌های مختلف و آموزش دیده، ارزیابی و تعیین شده است و تحلیل یک فرد از داده کیفی عموماً باید توسط تحلیل گری دیگر که او هم با سؤال و فرآیند تحقیق آشناس است به دست آید. به عبارت دیگر، پدیده مورد نظر مستقل از کدگذاران وجود خارجی دارد و این نشانگر ثبات و تکرارپذیری پژوهش و از اصول روش تحلیل کمی است. هر چند این رویکرد در مسیر اصلی پژوهش‌های روان‌شناختی سابقه پذیرش و کاربرد طولانی دارد اما از سوی محققان با رویکردهای کیفی وابسته به پارادیم سازه‌گرایی به شدت مورد انتقاد واقع شده است (هامر و برلند، ۲۰۱۴: ۴۱).

فرآیند کدگذاری

تعیین واحد تحلیل: برقراری پایایی در طول تحقیق انجام می‌گیرد و بیشتر حاصل یک فرآیند است و نه محصول و نتیجه تحقیق که در قالب ضریبی واحد در بخش روش‌شناسی پژوهش آمده باشد. نخستین قدم در این فرآیند، تعیین واحد تحلیل یا همان بخش‌هایی از داده کیفی است که کد به آن‌ها اختصاص داده خواهد شد. هر انتخابی که باشد، مشخص بودن واحد تحلیل از نخست الزامی است زیرا متضمن سازگاری فرآیند کدگذاری با سؤال‌های تحقیق و امکان‌پذیری تحلیل است.

وضع نظامنامه کدگذاری: بنا کردن نظام کدگذاری از برجسته‌ترین چالش‌ها در فرآیند تحلیل روایت است. سه رویکرد اصلی در راستای این مهم، قابل اجرا می‌باشد:

۱. یک نظام کدگذاری از پیش موجود، مانند نظام‌های کدگذاری پایایی مک آدامز ۲.

تغییر یک سیستم کدگذاری موجود، مانند کدگذاری نامه. ۳. خلق نظام جدید.

قدم نخست در فرآیند ایجاد نظام‌نامه‌ای جدید، آزمون سؤال تحقیق است و تعیین طرح کدگذاری که با موفقیت به سؤال تحقیق پاسخ دهد. طرح‌های کدگذاری عموماً با دو روش بنا می‌شوند: رویکرد قیاسی برگرفته از نظریه از بالا به پایین یا رویکرد استقرایی برگرفته از داده از پایین به بالا (چی، ۱۹۷۷: ۳۰۰).

1. Hammer And Berland

2. Chi

نتیجه گیری

امروزه تحلیل روایت به عنوان یک روش شناسی کیفی برای پیشبرد تحقیقات اجتماعی، بیش از پیش مورد استفاده پژوهشگران علوم اجتماعی و سایر حوزه‌ها قرار گرفته است. تحلیل روایت تلاش می‌کند که علاوه بر کشف فرایند تجربه افراد از قصه زندگی‌شان، بر نقش زبان نیز، به عنوان شکل دهنده هویت اجتماعی و شخصی راویان و بازگوکننده دنیای اجتماعی آن‌ها، تأکید ورزد.

ویژگی بارز تحلیل روایت وابسته به نگاه رابطه‌ای به فرایند تحقیق است. تحلیل روایت، مشارکتی و اطلاعات محور است. معنا از طریق مذاکره و همکاری بین شرکت کننده و محقق، ساخته می‌شود. طرح تحلیل روایت اتخاذ شده برای مطالعات علوم بهداشتی، فرصت‌هایی را برای بررسی عمیق پیچیدگی‌های پیرامون تحقیقات مرتبط با سلامت فراهم می‌کند. تحلیل روایت داستان‌سرایی ساده نیست؛ این یک روش تحقیق است که از داستان‌سرایی برای کشف نکات ظریف پیرامون تجربیات زیستی افراد استفاده می‌کند.

فرآیند داستان‌گویی، عنصری کلیدی در پژوهش روایی، فرصت گفتگو و تأمل را فراهم می‌کند که هر کدام به هم تنیده و چرخه‌ای هستند. رویکرد روایتی را می‌توان برای مطالعات مرتبط با سلامت اتخاذ کرد، زیرا فرصتی منحصر به فرد برای کشف رابطه محقق / شرکت کننده در طول زمان در علوم بهداشتی و قرار دادن سلامت در زمینه زندگی شرکت کنندگان ایجاد می‌کند.

در استفاده از تحلیل روایت، ترغیب مردم به گفتن داستان نسبتاً آسان است، زیرا اکثر مردم معمولاً از به اشتراک گذاشتن داستانی در مورد خود، خرسند هستند و شخص می‌خواهد داستان خود را گزارش کند. به دست آوردن داده‌های عمیق، امکان‌پذیر است زیرا اغلب رویدادهای روایت شده اتفاق افتاده است. در استفاده از رویکرد روایی برای یافته‌های ارائه شده، محققان می‌توانند به لایه‌های غنی از اطلاعات دسترسی پیدا کنند که درک عمیق‌تری از ویژگی‌های دیدگاه شرکت کنندگان را ارائه می‌دهد.

روایت‌ها به فرایند، طبقه‌بندی، تحلیل واقعیت از درون و نیز تفسیر و بازاندیشی فردی توجه دارند. آن‌ها امکان سهیم کردن تجربه خود با دیگران را به عنوان یک نتیجه و یک فرایند فراهم می‌سازند، به گونه‌ای که هم مخاطبین این تجربه و هم راوی، امکان بازسازی تجارب و رسیدن به فهمی مشترک از آن را پیدا می‌کنند. استفاده از تحلیل روایت نه تنها مستلزم مهیا ساختن شرایطی است که افراد امکان نقل روایت را پیدا کنند، بلکه محققین نیز متقابلاً می‌بایست توصیف و شرح ارائه شده را به مثابه یک روایت تلقی کرده و مورد تجزیه و تحلیل قرار دهند. همان‌طور که اشاره گردید رایج‌ترین شیوه‌های تجزیه و تحلیل

روایت، تحلیل مضمونی و تحلیل ساختاری می‌باشد. تحلیل مضمون به پژوهشگر در شناخت الگوها، تشابه و تفاوت مصاحبه‌ها کمک می‌کند و تحلیل ساختار، چگونگی شکل‌گیری روایت‌ها را فراهم می‌آورد؛ به عملکرد عناصر مختلف روایت می‌پردازد و بر این منطق استوار است که در جامعه، روایت‌های مختلفی وجود دارد که با پیوند دادن روایت‌های نمونه‌های مورد مطالعه با آن‌ها می‌توان نظم و قواعد کلی را در خصوص عرصه‌هایی از حیات اجتماعی شناسایی و توصیف کرد و به ساختارهای ذهنی جمعی رسید. علاوه بر آن، می‌توان برای بررسی توالی در موضوعاتی مانند دوره زندگی، مسیرهای زندگی شغلی و سازمانی، تحلیل ساختاری روایت‌ها را مورد استفاده قرار داد.

پیشنهادها

به پژوهشگرانی که مصاحبه روایتی را به‌عنوان یکی از ابزارها گردآوری داده‌ها در روایت‌پژوهشی انتخاب می‌کنند، توصیه‌های در زیر مطرح می‌شود:

۱. مطالعه بافت اجتماعی تاریخی زندگی مشارکت‌کنندگان قبل از مصاحبه
۲. توان تعامل با مشارکت‌کنندگان با سبک‌های ارتباطی مختلف
۳. جلوگیری از انجام مصاحبه با رویکرد تخلیه اطلاعاتی با کسب اطلاعات برای کنترل صحت اطلاعات ارائه شده توسط مشارکت‌کننده
۴. توجه به چارچوب زمانی و وقت مشارکت‌کننده و همچنین پژوهشگر در مصاحبه
۵. ایجاد جو اعتماد در مصاحبه
۶. ایجاد امکان برای مشارکت‌کنندگان جهت پرسیدن سؤال‌هایی درباره خودشان و پاسخ دادن به آن سؤال‌ها
۷. نمایش اهمیت و زمان و تلاشی که محقق برای انجام پژوهش متحمل شده است
۸. تسهیم برخی تفسیر و تعبیرها از مصاحبه با مشارکت‌کنندگان.

منابع

- آسبرگر، آرتو (۱۳۸۰). *روایت در فرهنگ عامه رسانه و زندگی روزمره*، ترجمه محمدرضا لیراوی. تهران: نشر سروش، چاپ اول.
- ایگلتن، تری (۱۳۸۰). *نظریه ادبی*، ترجمه عباس مخبر. تهران: نشر مرکز، چاپ یازدهم.
- ترکان، علیرضا (۱۳۹۴). *روش‌شناسی تحلیل روایت درآمدی بر نوعی روش تحقیق کیفی*. اصفهان: نشر آسمان نگار، چاپ اول.
- تودوروف، تزوتان (۱۳۷۷). *دو اصل روایت*، ترجمه امید نیک فرجام. تهران: نشر بنیاد فارابی، چاپ اول.
- طیبی ابوالحسنی، سیدامیرحسین (۱۳۹۸). *درآمدی بر روش تحقیق: رویه‌های استاندارد تحلیل داده‌های کیفی. سیاست‌نامه علم و فناوری*. شماره ۲، ۶۷-۹۵.
- عباسی، علی و حجازی، نصرت (۱۳۹۰). *رسال‌های در باب گونه‌شناسی روایت نقطه دید، نظریه و تحلیل*. تهران: نشر علمی و فرهنگی، چاپ اول.
- غلام پور، میثم و آیتی، محسن (۱۳۹۹). *عوامل مؤثر بر تکوین هویت حرفه‌ای معلم: روایت‌پژوهی رویدادهای زندگی یک معلم. علوم تربیتی*. شماره ۱، ۲-۲۲.
- والاس، مارتین (۱۳۸۲). *نظریه‌های روایت*، ترجمه محمد شهبان. تهران: نشر کتاب هرمس، چاپ ششم.
- هارلند، ریچارد (۱۳۸۲). *درآمدی تاریخی بر نظریه‌های ادبی*، ترجمه علی معصومی. تهران: نشر چشمه، چاپ اول.
- Berger, A. (1997) *Narratives in popular culture, media, and everyday life*. New York: Sage Publications Inc, First Edition.
- Clandinin, D. J. (2013) *Engaging in narrative inquiry*, New York: Routledge, First Edition.
- Carless, D & Douglas, K. (2017). Narrative research. *The Journal of Positive Psychology*. 12(3), 307-308.
- Clandinin, D. J. & Murphy, M. S & Huber, J & Orr, A. M. (2009). Negotiating narrative inquiries: Living in a tension-filled midst. *The journal of educational*. 81-90, (2)103.
- Clandinin, J, D & Connelly, F, M. (2000). *Narrative inquiry: Experience and story in qualitative research*, San Francisco: Jossey-Bass Publishers, First Edition.
- Chi, M. T. (1997) Quantifying qualitative analyses of verbal data: A practical guide. *The journal of the learning sciences*, 6(3), 271-315.
- Connelly, F. M., & Clandinin, D. J. (1990) Stories of experience and narrative

- inquiry .*Educational researcher*. 19(5), 2-14.
- Campbell, D. T., & Cook, T. D. (1979). *Quasi-experimentation: Design & analysis issues for field settings*. Chicago: publisher Houghton Mifflin ,First Edition.
- Frank ,A .W .(1995) .*The wounded storyteller :Body illness and ethics*, chicago: University of Chicago Press, Second Edition.
- Heidari, F. & Amiri, A. & Amiri, Z. (2016). The effect of person-centered narrative therapy on happiness and death anxiety of elderly people. *Asian Social Science*. ۱۲۶-۱۱۷,(۱۰)۱۲.
- Hyden, M. .(1994) *Woman battering as a marital act :Interviewing and analysis in context*, New York: Sage Publications Inc, First Edition.
- Hammer, D. & Berland, L. K. .(2014) Confusing claims for data :A critique of common practices for presenting qualitative research on learning .*Journal of the Learning Sciences*.23(1), 37-46.
- Kim, S. K. & Park, M. (2017). Effectiveness of person-centered care on people with dementia: a systematic review and meta-analysis. *Clinical interventions in aging*.12, 381–397.
- Lieblich, A. & Tuval-Mashiach ,R & .Zilber ,T .(1998) .*Narrative research: Reading analysis and interpretation*, New York: Sage Publications Inc, First Edition.
- McAdams, D. P. & McLean ,K .C .(2013) .Narrative identity .*Current directions in psychological science*. 22(3), 233-238.
- Moen, T. (2006). Reflections on the narrative research approach. *International Journal of Qualitative Methods*.56-69 ,(4)5 .
- McAdams ,D .P .(1993) .*The stories we live by :Personal myths and themaking of the self*. New York: Morrow ,First Edition.
- McAdams ,D .P .(2012) .*Exploring psychological themes through life narrative accounts*. London: Sage, First Edition.
- McAdams, D. P. & Logan, R. L. .(2006) *Creative work ,love ,and the dialectic in selected life stories of academics :Creating self in narrative*. Washington, American Psychological Association Press, First Edition.
- Nash, C. .(1994) *Narrative in Culture :The Uses of Storytelling in Sciences Philosophy and Literature*, London and New York: Routledge, First Edition.
- Ntinda, K. (2019). *Narrative research. Handbook of Research Methods in Health Social Sciences*, New York :Springer Singapore ,First Edition.

- Ollerenshaw ,J .A & .Creswell ,J .W .(2002) .Narrative research :A comparison of two restorying data analysis approaches .*Qualitative inquiry*. 8(3), 329-347.
- Potts, L. J. .(1968) *Aristotle on the Art of Fiction :An English Translation of Aristotle's Poetics*, London :Cambridge University Press ,First Edition.
- Plummer ,k .(1995) .*Telling Sexual Stories .Power ,Change and Social Worlds*, London: Routledge. First Edition.
- Polkinghorne, D. E. .(1988) *Narrative knowing and the human sciences*, New York: University of New York Pres, First Edition.
- Pennebaker, J. W. & Stone, L. D. .(2003) Words of wisdom :language use over the life span .*Journal of personality and social psychology*. 85(2), 291-301.
- Riessman, C. K. .(2008) *Narrative methods for the human sciences*. New York: Sage Publications Inc, First Edition.
- Reichenbach, H .(1938) .*Experience and prediction*. Chicago: University of Chicago Press, First Edition.
- Richardson, L. .(1990) Narrative and sociology .*Journal of contemporary ethnography*. 19(1), 116-135.
- Riessman, C. K. (2008). *Narrative methods for the human sciences*. New York: Sage Publications Inc, First Edition.
- Syed, M. .(2015) *Theoretical and methodological contributions of narrative psychology to ethnic identity research*, Washington: American Psychological Association, First Edition.
- Syed, M., & Nelson, S. C. .(2015) Guidelines for establishing reliability when coding narrative data .*Emerging Adulthood*. 3(6), 375-387.
- Wang, C. C., & Geale, S. K. (2015). The power of story: Narrative inquiry as a methodology in nursing research. *International journal of nursing sciences*. 2(2), 195-198.